



English تماس با ما پیوندها دیدگاه های شما درباره ما صفحه اصلی

شماره صد و سی ام، جمعه بیست و پنجم آبان ماه ۱۳۸۶ آرشیو

شماره صد و بیست و هشتم، جمعه یازدهم آبان ماه ۱۳۸۶

مطالب مرتبط



از حوزه میراث فرهنگی
یکی بود، یکی نبود: جشن باستانی
تیرگان در تورنتو

سوریه کبیری- واشنگتن پریزم

وقتی جشنواره موفق "زیر گنبد کبود" که به مناسبت نوروز ۸۵ در مجتمع معتبر فرهنگی-هنری "مرکز هاربر فرانت" برگزار شده بود در سال جاری تکرار نشد، برای من باعث تأسف گردید. چرا که نخستین باری بود که جشنواره ای به این گستردگی (هم از لحاظ تعدد برنامه ها، و هم از نظر طول زمان برپایی) به مناسبت یک رسم ایرانی، آنهم در مرکز نامبرده برگزار می شد. زیرا این جشنواره سه روزه، شامل ۴۰ برنامه مختلف و با حضور بیش از ۱۰۰ هنرمند بود.

اما خوشبختانه گروهی که آن جشنواره موفق را برگزار کرد، اینک با تجربه ای بیشتر و زیر نام "یکی بود، یکی نبود" در تدارک اجرای جشن تیرگان توسط "کانون فرهنگ و هنر ایرانیان کانادا" است. این جشن در روزهای ۱۷ تا ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۸ (۲۶ تا ۲۹ تیرماه ۱۳۸۷) برگزار خواهد شد.

از حوزه میراث فرهنگی

از حوزه فناوری

از حوزه فناوری

از حوزه دین

سفرنامه

از حوزه فرهنگی

از حوزه هنر و سینما

از حوزه فناوری

از حوزه هنر

از حوزه هنر و سینما

از حوزه میراث فرهنگی





صفحه اصلی | درباره ما | دیدگاه های شما | پیوندها | تماس با ما | English

شماره صد و سی ام، جمعه بیست و پنجم آبان ماه ۱۳۸۶ آرشیو

شماره صد و بیست و هشتم، جمعه یازدهم آبان ماه ۱۳۸۶

مطالب مرتبط



از حوزه میراث فرهنگی یکی بود، یکی نبود: جشن باستانی تیرگان در تورنتو

آرین نژاد: کار فرهنگی ماندگار، و کار سیاسی زودگذرست. اگر انسان بخواهد به نتیجه سریع برسد، باید کار سیاسی کند. در مقابل اقدامات فرهنگی طولانی مدت، اما دارای تأثیرات ماندگار می باشد.

س: در حال حاضر چند نفر مشغول فعالیت برای جشنواره تیرگان هستید؟

آرین نژاد: شروع کنندگان خانم ها و آقایان امیرنیمیا احمدی، دکتر ماریا صبای مقدم، دکتر جعفر شاکر، رضا مقدس، ستاره دل زنده و خود بنده بودیم. البته بعدا خیلی ها اضافه شدند، که مقدور نیست همه را اسم ببرم. در حال حاضر گروه کوچک ۳۰ نفر درگیر این کار هستند که ظرف دو سه هفته آینده که تارنمای جشنواره به راه بیفتد، نام ایشان در آن گذاشته خواهد شد.

س: روش انتخاب هنرمندان چگونه است؟

از حوزه میراث فرهنگی

از حوزه فناوری

از حوزه فناوری

از حوزه دین

سفرنامه

از حوزه فرهنگی

از حوزه هنر و سینما

از حوزه فناوری

از حوزه هنر

از حوزه هنر و سینما

از حوزه میراث فرهنگی



جستجو

سیاست

فرهنگ

اقتصاد

نظامی و دفاعی

نقد کتاب

مصاحبه

علم و بهداشت

نامه ها

خرده ریزه

اجتماعی

شعر و ادبیات

آرین نژاد: برای جشنواره زیر گنبد کبود روند اینگونه بود که اولاً دوستان گروه هنری، خودشان یک کمیته داشتند. افراد این کمیته از کسانی که فکر می کردند در این زمینه ها تجربه دارند، نمونه کار می خواستند. این افراد بر اساس بینش همان کمیته هنر انتخاب می شدند.



این بار روش انتخاب، حرفه ای تر است. چرا که کمیته های هنری گروه مشورتی دارند. یعنی چهار پنج نفر آدم هایی که در این زمینه ها متخصصند دور هم جمع می شوند، و هنرمندها را در زمینه های گوناگون گرد می آورند و سرانجام با مرکز هارپر فرانت بررسی نهایی انجام می شود.

رضا مقدس مدیر بخش
موسیقی جشنواره تیرگان

س: هیچوقت به این فکر افتاده اید که مثلاً مانند ایتالیایی ها یا یونانیان، برای ایرانیان هم جشنواره خیابانی برگزار کنید؟

آرین نژاد: می دانید که در تورنتو جشن های گوناگون برگزار می شود. مثلاً ایتالیایی ها در محله ایتالیای کوچک (لیتل ایتالی) جشنواره خیابانی دارند. ایرانی ها هم در نیویورک چنین برنامه ای دارند، که کلی زحمت می کشند و آنهمه جمعیت را هم جمع می کنند. خوب برد خودش را هم دارد.

اما این داستانی دیگرست که انسان در محلی که معتبرست و هنرمندان کانادایی و جهانی دلشان می خواهد در آنجا برنامه داشته باشند، جشنواره برگزار کند. مثلاً جشنواره یونانی ها در دنفورت را در نظر بگیرید. یک سری غذا فروخته می شود، مردم قدم می زنند و در حدی محدود هم موسیقی اجرا می شود. ولی فقط سرگرم کننده، و نه گفتمان هنری، است.

اما تأثیر ما عمیق خواهد بود. چرا که داریم بهترین های فرهنگمان را معرفی می کنیم. مثلاً کار آقای کیارستمی نه تنها در ایران، که در همه دنیا مطرح است. آقای بیضائی هم که شاید در دنیا کمتر شناخته شده باشند، ارزش کارشان خیلی بالاست. ما اینگونه افراد را می آوریم که در مورد بخشی از تمدن ایران حرف بزنند، و با تمدن جهانی گفتگویی داشته باشند. مسلماً گفتمان در آن سطح تأثیرش عمیق تر و ماندگار تر از یک برنامه صرفاً سرگرم کننده است. البته مردم هم لذت می برند، اما به زودی به دست فراموشی سپرده می شود.

ولی کار ما علاوه بر داشتن عمق، سرگرم کننده هم هست. مثلاً موسیقی برادران کامکار هم از نظر سطح کار فوق العاده، و هم سرگرم کننده است. در عین حال، مردم نیز آن را دوست دارند. بنابراین اگر بتوانیم این ترکیب را پیدا کنیم، فوق العاده خوب خواهد بود.

احمدی: داشتن حضور مهم است، که ما داریم. اگر بخوایم جشنواره خیابانی داشته باشیم، شهرداری و پلیس هم باید دست اندر کار بشوند و خیابان بسته شود. ولی کار دیگری که توسط ما انجام می شود، ارائه کار هنری و نقد است.



چه در مورد جوانانی که اینجا به دنیا آمده اند، چه در مورد آنها که برای درس خواندن آمده اند، و چه در مورد پدر مادرهای ما، مهم این است که این صحبت شروع بشود.

آرین نژاد: اتفاقاً یکی از چیزهایی که در من انگیزه ایجاد کرد، دیدن عکس های جشنواره نیویورک در تارنمای آنها بود. نه اینکه (بخوایم) ایراد بگیرم. ولی وقتی عکس ها را می بینم (با اینکه) یکشنبه صبح (است، اما) هیچکس در خیابان نیست. در صورتی که بهترین روزی که می

توان در نیویورک خیابان را بست و مردم را آورد، نگار گویا از دست اندرکاران همین صبح یکشنبه است. بعد هم در مورد آن هیچ جشنواره تیرگان خبری مثلاً در واشنگتن پست و یا نیویورک تایمز به چشم نخورد.

ما برای ماندگاری گروه خود، امیدواریم با جشن های آتی، فرهنگ و هنر ایران را معرفی کنیم و مهمتر از همه برای ایرانیان داخل پل باشیم. چرا که در بین ۷۰ میلیون جمعیت ایران مسلماً نوابغی به وجود می آیند، که ممکنست در ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار نفر به وجود نیاید. بنابراین به ویژه با نسل جوان ما در کشور، مسلماً نوابغ زیادی در همه رشته های هنر خواهیم داشت. امیدواریم کانون ما بتواند پایه ای باشد که صدای آن هنرمندانی را که در ایران به هیچ جا نمی رسد، در غرب، اروپا و آمریکا مطرح کند. مثلاً دنیا بتواند از هنرمندی مانند آقای بیضائی استفاده بکند.

س: با توجه به اینکه هموطنان زرتشتی در مورد جشن هایی چون تیرگان آگاهی های بیشتری دارند، آیا شما با آنها مشورت می کنید؟

آرین نژاد: تا به حال چنین کاری نکرده ایم. چون برایمان فرق نمی کند که دین افراد چیست. کانون ما همان گونه که پیش از این هم گفتم، نه سیاسی و نه مذهبی است. ولی حتماً در نظر داریم با درب مهر که محل مذهبی هموطنان زرتشتی است، در مورد اطلاعاتشان تبادل نظر کنیم. ما دوستان و آشنایانی در آنجا داریم، که از آنها کمک خواهیم.

س: در حائل حاضر نحوه اداره کانون چگونه است؟

احمدی: در رأس سازمان، مدیر اجرایی یعنی مهرداد آرین نژاد قرار دارد. چهار زیرمجموعه بازاریابی، مالی، هنری و عملی هم، هر یک مدیران خود را دارند. آن هفت زمینه ای هم که برنامه داریم، هر کدام مدیر دارند. مدیر موسیقی آقای رضا مقدس، سینما و تئاتر خانم ستاره دل زنده، هنرهای تجسمی خانم فیروزه

آغداشلو، رقص دکتر ماریا صباي مقدم و ادبیات دکتر جعفر شاکر، می باشند. اما برای بخش فعالیت کودکان هنوز مدیری تعیین نشده است. از مجموعه این مدیران همان کمیته ای تشکیل می شود، که با مرکز هاربر فرانت در ارتباط است که هنرمندان تعیین و معرفی شده را، تأیید می کنند یا نمی کنند.

س: کانون در آینده چگونه اداره خواهد شد؟

آرین نژاد: این سازمان در آینده یک هیئت امانا خواهد داشت، که البته هنوز تعیین نشده است. تصمیم داریم که اعضای آن ۲۱ نفر از اشخاص شناخته شده جامعه ایرانی باشند. قرار است یک سری فکر کنند و اسم بیاورند.



در عین حال هیچکدام از افراد فعلی گروه نباید با آنها مخالفت داشته باشند. مثلاً اگر در موردی شخصی که نامش مطرح می شود، حتی یک نفر از اعضای فعلی مخالف باشد، نام او حذف خواهد شد.

هیئت امانا هر دو سال یک بار یک هیئت مدیره انتخاب خواهد کرد، که هفت عضو خواهد داشت و به نوبه خود رئیس اجرایی هیئت مدیره را برمیگزیند. این رئیس باید دو سال سازمان را بگرداند. هیئت مدیره نیز، سالی یک نشست برگزار خواهد کرد.

دکتر جعفر شاکر مدیر بخش ادبیات جشنواره تیرگان

س: به جز جشن تیرگان کار دیگری هم پیش رو دارید؟

احمدی: کار اصلی کانون همین جشنواره است، اما ممکنست قبل از تیرگان برنامه کوچکتري برای اطلاع رسانی و یا جمع آوری کمک برای جشنواره اصلی برگزار شود. این کار می تواند هدف بزرگتر را پشتیبانی کند.

س: آیا دانشگاهی بودن، شرط همکاری با شماست؟

احمدی: من خودم وابسته به انجمن ایرانیان دانشگاه تورنتو نیستم. البته دوستانی که فعالیت می کردند مثل خود من و مهرداد، کارهایمان در مجموعه دانشجویی بود. لذا در پیشینه کاریمان، کارهای دانشجویی زیاد است. اما ممکن است دوستانی که در آینده در هیئت امنای می نشینند، هیچ کاری هم به هیئت دانشجویی نداشته باشند.

ما مجموعه ای درست کردیم که پایه های اصلیش همین افرادی باشند، که در جامعه ایرانی زندگی می کنند. تا آنجایی که من می دانم دانشگاهی بودن شرط نیست.

آرین نژاد: اصلا هیچ شرطی ندارد. هرکسی از جامعه ایرانی و حتی هر فرد غیر ایرانی که حاضر باشد به این کار کمک کند، با کمال میل و آغوش باز مورد استقبال قرار خواهد گرفت.

س: شما که دست اندر کار اجرای مراسم و جشن های ایرانی هستید، نظرتان در مورد اجرای دو چهارشنبه سوری در تورنتو چیست؟

احمدی: خودم از افرادی هستم که با دوباره کاری مخالفم. اگر قرار است برنامه ای در دو جا باشد، بهتر است از برآیند نیروها یک کار انجام شود و نتیجه بهتری حاصل گردد. اما همین گرایش های گوناگون که آیا جنبه سیاسی به چهارشنبه سوری بدهیم، جنبه فرهنگی بدهیم و یا اصلا جنبه ای به آن ندهیم، سبب شد دو سال پیش دو تا چهارشنبه سوری برگزار شود که یکی خیلی موفق بود. اما دیگری نسبت به تجربه های گذشته اش، موفق نبود.

س: آیا اصولا باید به مراسمی مانند چهارشنبه سوری، تیرگان و نوروز جنبه

سیاسی داد؟

احمدی: نه فکر نمی کنم. زیرا هر چیزی جای خودش و زیبایی خودش را دارد. اگر قرار است کار سیاسی انجام شود، انجام بشود. در همان روز هم انجام بشود، اما در موقعیت و با مخاطبان خودش! تیرگان یا چهارشنبه سوری باید با هدف خودش باشد. یعنی کارها باید تک منظوره باشد. با یک حرکت چند پیغام رساندن، مشکل است.



س: خوب، حالا من یک من گندم خودم را آسیاب کنم! چه تمهیداتی اندیشیده اید که خبرنگاران مانند برخی از برنامه های زیر گنبد کبود، پشت در نمایندند؟

آرین نژاد: تصمیم گرفتیم در سهیل پارسا از مهمانان بخش تئاتر جشنواره تیرگان هر سالن ۲۰ تا ۳۰ صندلی برای کسانی رزونه داریم، که فکر می کنیم حضورشان در آن سالن ها ضروری است. خبرنگاران یکی از آن گروه ها هستند که در هر سالنی هر قدر هم جمعیت باشد، ما آنها را داخل خواهیم کرد. قرار است چند هفته دیگر خبرنگاران را جمع کنیم، و با آنها دیدار داشته باشیم. (تصمیم داریم) رابطه خود را با رسانه ها قوی بکنیم.

احمدی: این در خلال برنامه است. اما پیش از آن هم به کمک خبرنگاران نیاز داریم. به همین دلیل اتاق فرضی رسانه ها را در نظر گرفته ایم. قرار است به موازاتی که به برنامه نزدیک می شویم، این اتاق را تشکیل بدهیم. خبرنگاران دور هم جمع می

شوند، ما (چگونگی و محتوای) برنامه (ها) را برایشان ارائه می دهیم، و آنها برداشت خود را در رسانه ها منعکس می کنند. این کار را در ساختار سازمانمان هم، طراحی کرده ایم.

سوریه کبیری دبیر ارشد واشنگتن پریم است

صفحه [21](#) [3]

نسخه چاپی نظر شما به دوستان خود ایمیل کنید

نظر خوانندگان درباره این مقاله

شماره صد و بیست و نهم، جمعه
هجدهم آبان ماه ۱۳۸۶

از حوزه سیاسی- اجتماعی

از حوزه روابط بین الملل

از حوزه ادبیات

از حوزه ادبیات

از حوزه اجتماعی- بهداشتی

از حوزه سیاسی

شماره صد و بیست و هشتم،
جمعه یازدهم آبان ماه ۱۳۸۶



English تماس با ما پیوندها دیدگاه های شما درباره ما صفحه اصلی

شماره صد و سی ام، جمعه بیست و پنجم آبان ماه ۱۳۸۶ آرشیو

شماره صد و بیست و هشتم، جمعه یازدهم آبان ماه ۱۳۸۶

مطالب مرتبط



از حوزه میراث فرهنگی
یکی بود، یکی نبود: جشن باستانی
تیرگان در تورنتو

س: ما گروه های گوناگونی را داریم، که در کانادا
و به ویژه تورنتو کار فرهنگی می کنند. شما بین خود و آنها تفاوتی می بینید؟

آرین نژاد: بله، دوستان هستند و کار انجام می دهند. نظریه برگزاری جشنواره هم جدید نیست. مثلاً من می دانم در کالیفرنیا، واشنگتن، سانفرانسیسکو مجموعه هایی هستند، که این کار را انجام می دهند ما هم یکی از آنها هستیم. ولی هدف ما کیفیت و نوع انتخاب هنرمندان است. در حقیقت ما می خواهیم دریچه ای باشیم برای هنر ایرانی که شاید ۲۰ سالست در ایران وجود دارد، اما نتوانسته در سطح بین المللی عرضه بشود. و این تنها حرف و نظر گروه ما نیست، بلکه هدف مرکز هارپر فرانت هم هست. زیرا این مجموعه همیشه سعی دارد بهترین ها را عرضه کند، تا خود همچنان بهترین باقی بماند. مثلاً گرچه تتاثر را آقای بیضائی به صحنه می برد، اما محل عرضه اش در این مجموعه فرهنگی-هنری است. ما روی کیفیت خیلی وقت گذاشتیم. با دقت به نام هنرمندان منتخب، معلوم می شود که تک تک آنها

از حوزه میراث فرهنگی

از حوزه فناوری

از حوزه فناوری

از حوزه دین

سفرنامه

از حوزه فرهنگی

از حوزه هنر و سینما

از حوزه فناوری

از حوزه هنر

از حوزه هنر و سینما

از حوزه میراث فرهنگی



جستجو

سیاست
فرهنگ
اقتصاد
نظامی و دفاعی
نقد کتاب
مصاحبه
علم و بهداشت
نامه ها
خرده ریزه
اجتماعی
شعر و ادبیات

با ریزبینی و دقت ویژه ای برگزیده شده اند.

احمدی: جمع کردن ایرانیان حول یک محور برای هر مجموعه ای که کارش را شروع کرده وجود داشته، که به عنوان چتری عمل کند که ایرانیان بیابند و کاری انجام دهد. پس فرق ما چیست؟ این است که این مجموعه پایه مردمی دارد. یعنی کار هیئت اجرایی را در واقع بافت ایرانیان تورنتو انجام می دهند. چرا که آیین نامه اجرایی را طوری نوشته ایم، که همه درها به روی همه بازست.



از نظر من این کانون چنان گستردگی پیدا خواهد کرد که ممکنست در آینده یک ایرانی در جایی دیگر برایش کاری انجام بدهد، بدون اینکه هیئت اجرایی در جریان آن کار قرار داشته باشند. مجموعه های دیگر می خواهند کارشان انفرادی باشد، ما می خواهیم مردم کار کنند.

در واقع همین مسئله مرا هم که با گروه های دیگر کار کرده بودم، جذب کرد. چرا که من عضو جدید گروهم و از ژانویه ۲۰۰۷ (دی ماه ۱۳۸۵) با حضور فعال داشته، و دارد دعوت دوستان برای همکاری، بسیار علاقمند شدم و تصمیم گرفتم کمک کنم. در واقع مجموعه جدیدی که به نام "کانون فرهنگ و هنر ایرانیان کانادا" به ثبت رسیده، به این سبب بود که دوستان در مورد کارهای اجتماعی گوناگون تجربه داشتند و ما تصمیم گرفتیم آن تجربیات را در خدمت مجموعه ای بگیریم که ماندگار شود.

به این ترتیب که وقت زیادی گذاشتیم که یک اساسنامه تنظیم بکنیم، که اگر ما هم نبودیم کانون بتواند به کار خود ادامه دهد. جشنواره یک آیین نامه اجرایی هم دارد که در واقع تمام کارهایی را که انجام می شود، برای جشنواره بعدی ثبت می کند تا اشکالاتش گرفته و بهتر شود. ما در چهار پنج ماه نخست تشکیل کانون، روی این نکات خیلی کار کردیم.

بنابراین با توجه به تجربه چند ساله خودم در کانادا، از نظر من این مجموعه با سایر کسانی که در همین راستا کار می کنند تفاوت دارد. تفاوتی که در عین حال همانگونه که گفتم دلیل جذب شدن من به این گروه هم می باشد. این تفاوت تلفیق نسل اول، دوم و سوم ایرانیان در کانادا هست. چراکه همیشه صحبت این بوده که اگر ما بتوانیم به صورت تلفیقی کار کنیم، خیلی مفید است. مثلاً خود من کمتر از پنج سال است، که در کانادا هستم.

این مجموعه برای مهاجرینی که می خواهند وقتی به کانادا می آیند برای فرهنگشان کار اجتماعی انجام دهند، نقطه مشترکی پیدا کرد، آن را جشن گرفت و به آن بال و پر داد. این کار هم قشنگ و هم تجربه ای مفید است. زیرا تجربه بزرگترها و نیروی جوانان با هم در کارند.

س: منظورتان همان ضعف ما ایرانیان در کارهای گروهی است؟

احمدی: تجربه ما اینست که در گروه های مختلف، نظمی حاکم نبوده است. ما با تنظیم اساسنامه آمدیم این نظم را به گروه بدهیم، که ماندگاریش تضمین شود و کار مثبت انجام دهد. ما تشخیص دادیم که این گروه به مدیر و کادر اجرایی نیاز دارد، که باید در جای خود باشند و کار تعریف شده داشته باشند که هر کس وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد. برآیندش جشنواره و مهم تر از آن بازتابی است، که این جشنواره در موزاییک کانادا خواهد داشت.

آرین نژاد: من ده سال پیش که آمدم کانادا، ایرانی ها از هم فرار می کردند. اما به خاطر کارهایی که در این ده سال شده، دیگر آن گونه نیست و رفتارها تغییر کرده است. متأسفانه سیاست به خصوص بعد از انقلاب ما ایرانی ها را از هم پراکنده کرده است. من شخصا نظرم اینست که ما ایرانی ها مستقل از مذهب، قومیت و زبان، اشتراکاتی داریم که یکی از مهمترین آنها تاریخ مشترکست. اگر توجه کنید همسایگان ما هنوز همگی نوروز را جشن می گیرند، که این مسئله بسیار بسیار مهم است.



استاد غلامحسین نامی
 این هدف جمع کردن ایرانی ها و حس
 مشاور بخش هنرهای تجسمی
 همبستگی، تنها در کانادا نیست که اهمیت دارد. جشنواره تیرگان
 بلکه مطمئنم اگر در ژاپن هم یک ایرانی از سی بی
 سی بشنود یا مثلا در همین نشریه واشنگتن پریمم بخواند که چنین جشنواره ای
 در اینجا برگزار شده، مسلما دلش در اینجا خواهد بود.

دیگر هدف ما ارتقاء و فراگیرتر کردن فرهنگ غنی ایران است، که ما هم بتوانیم
 در فرهنگ جهانی مشارکت کنیم. نظر سوم اینست که بتوانیم فرهنگ خودمان را
 ناب تر کنیم. مثلا وقتی یک رقصنده ما بیاید با استانداردهای جهانی سطح بالا
 برقصد، دیگر رقص جلف و سبک دیگری به چشم مردم ما نخواهد آمد. یعنی مردم
 دیگر نخواهند گفت این هم رقصنده است. چراکه استانداردهایشان بالا رفته
 است. در عین حال خود هنرمند هم مقداری نقد می شود. چراکه اگر به به و چه چه
 هایی را که گفته می شود به کنار بگذاریم و از دید منتقد کاندادایی و اروپایی غربی
 هم این هنر نقد گردد، مسلما هنر ما هم ناب تر و بهتر می شود.

س: دیده می شود تعداد ایرانیان تورنتو در مراسم ملی مانند جشن های نوروز و
 چهارشنبه سوری، و مراسم مذهبی مثلا در "مرکز ایرانی-اسلامی امام علی (ع)"
 خیلی زیاد است. اما وقتی مناسبتی سیاسی باشد، بسیار کمتر شرکت می کنند. به
 نظر می رسد این به نوعی با وضعیت ایرانیان ساکن آمریکا متفاوت است. به نظر
 شما سبب چیست؟

آرین نژاد: پاسخ به این پرسش سخت است. اما من فکر می کنم فرق ایرانیان
 تورنتو با آمریکا این است، که اکثرشان مدت کوتاهی است که از ایران بیرون آمده
 اند. در عین حال اکثرا به دلیل نوع قوانین مهاجرت کانادا، ایرانی هایی که از ده
 سال پیش به این طرف به تورنتو آمده اند، بچه هایی بودند که از دانشگاه های
 داخل فارغ التحصیل شدند و در آنجا شروع به کار کردند. اما بعد کانادا را برای
 زندگی خود مناسب تر دیدند. بنابراین اکثرا تحصیلات دانشگاهی دارند، و در یک

روند (ویژه) انتخاب شدند.

همچنین رابطه آنها هنوز با سرزمین مادری قطع نشده، و با ایران نزدیکی دارند. اما ایرانی های آمریکا مدتها قبل وطن را ترک کرده اند. مثلاً خیلی هایشان از زمان انقلاب آمده اند. البته ایرانی هایی هم هستند، که جدیداً به آمریکا رفته اند. اما بافت ایرانی های آمریکا خیلی مخلوط است. به همین دلیل که ایرانی های تورنتو نسبت به هموطنانشان در آمریکا دیرتر ایران را ترک کرده اند، از سیاست دلزده هستند و به دنبال آن نیستند.

در مورد اجتماعات مذهبی هم بالاخره مذهب ۱۴۰۰ سال در فرهنگ ما بوده است. وقتی می گویند تمدن اسلامی، خوب کشورهای مختلفی بودند که در ساخت این تمدن شرکت داشتند که در آن هنگام چنین تمدن عظیمی به وجود آمد و دستاوردهای بزرگی را به جهان تقدیم کرد.



یعنی خدماتی را که ایران به تمدن و فرهنگ اسلامی کرده، فوق العاده قوی بوده و جای هیچ بحثی را باقی نمی گذارد.

احمدی: ما کارمان در مورد فرهنگ است. بنابراین حتی وقتی در مورد سیاست صحبت می کنیم، بر اساس آن فرهنگی است که داریم. مثلاً ۲۵۰۰ سال تاریخ داریم، اما ساخت یک فیلم ۳۰۰ اینقدر لیلی نبوی از دست اندرکاران به ما بر می خورد. در واقع ما داریم فرهنگ را می جشنواره تیرگان سازیم، که شاید به نوبه خود حضور مثبت ایرانی ها در کانادا و به ویژه تورنتو را نشان می دهد، که ایرانی زیاد دارد. شاید اقدام ما از کارهای سیاسی تأثیرات بیشتری داشته باشد.

شاید بتوان ایرانی های ساکن آمریکا را با درون مایه سیاست جمع کرد و بر آنها تأثیر داشت. اما بشود دوستان ایرانی کانادا را حول محور فرهنگ جمع کرد، که

فکر می‌کنم تأثیرش کمتر از کار سیاسی نخواهد بود. چرا که هر صحبتی که حول ایران می‌چرخد، در زندگی ما تأثیر دارد. ما حتی اگر با ایران کاری نداشته باشیم و هیچ عضو خانواده مان هم در آنجا زندگی نکند، مثلاً وقتی رئیس‌جمهور می‌آید و در مورد چیزی صحبت می‌کند بر زندگی ما هم تأثیر می‌گذارد. سر کار که می‌روم از من پرسش می‌شود. البته منظورم الزاماً پرسش بد نیست. مثلاً همکارانم می‌پرسند نظر شما در مورد رئیس‌جمهور چیست. بنابراین کار فرهنگی در بافت تورنتو، زیان‌های سیاسی را کم می‌کند و محوری می‌شود که همگی حول آن جمع شویم.

وقتی جمع می‌شویم حضور می‌آید و سیاست بی‌رنگ می‌شود. مثلاً وقتی ۱۰ هزار نفر در چهارشنبه سوری جمع می‌شوند حتی اگر هزار نفر هم شعار سیاسی بدهند، نمودی ندارد.

صفحه 1 [2] 3

نسخه چاپی نظر شما به دوستان خود ایمیل کنید

نظر خوانندگان درباره این مقاله

شماره صد و بیست و نهم، جمعه
هجدهم آبان ماه ۱۳۸۶

جستجو

سیاست
فرهنگ
اقتصاد
نظامی و دفاعی
نقد کتاب
مصاحبه
علم و بهداشت
نامه ها
خرده ریزه
اجتماعی
شعر و ادبیات

به همین مناسبت و اشنگتن پریزم گفتگویی را با آقایان مهرداد آرین نژاد از دست اندرکاران جشنواره های زیر گنبد کبود و یکی بود یکی نبود و مدیر اجرایی کانون نامبرده، و امیرنیا احمدی دانشجوی معماری و از جوانانی که در سال جاری به کانون مذکور پیوسته انجام داده است، که نظر خوانندگان عزیز را به آن جلب می کنیم.

س: در ابتدا می خواهم بدانم که فکر نخستین جشنواره زیر گنبد کبود، چگونه پدید آمد؟

مهرداد آرین نژاد: فکر اولیه زیر گنبد کبود در حقیقت در "کانون ایرانیان دانشگاه تورنتو" به وجود آمد، که در سال ۲۰۰۰ (۱۳۷۹) توسط آقای دکتر جهانپگو تأسیس شده بود. من دو سال عضو هیئت مدیره این کانون بودم، که هر هفته برنامه های ادبی، هنری، فرهنگی و سیاسی داشت. از میان این برنامه ها می توان به جشن نوروز و یا سمینار پنجاهمین سالگرد کودتای ۲۸ مرداد در دانشگاه تورنتو اشاره کرد.

این اقدامات سبب شد گروهی دور هم جمع بشوند، و آشنایی هایی ایجاد شود. بعد به تدریج کار بزرگمان برای نوروز در "هارت هاس" بود، که ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر بازدیدکننده را به خود جلب کرد.

در عین حال یکی از دوستان ما یعنی "خانم آیدا مفتاحی" با مرکز هاربر فرانت رفت و آمد داشت.



خانم مفتاحی روی سابقه آشنایی و همکاری که با بچه های گروه داشتند، تلفن کردند و آنها را دور هم جمع کردند. نتیجه این اجتماع به نظریه نخستین زیر گنبد کبود منجر شد.

به اعتقاد امیر نیما احمدی مهم در ابتدا اعضای هیئت اجرایی یعنی خود بنده، تر از خود جشنواره تیرگان، خانم دکتر ماریا صبای مقدم، آقای بهرنگ فروغی، بازتابی است که در موزاییک آقای دکتر جعفر شاکر، خانم ستاره دل زنده، کانادا خواهد داشت خانم آیدا مفتاحی، دکتر آرش باطنی و آقای شهیاد مروت جو عضو کانون ایرانیان دانشگاه تورنتو، دور هم جمع شدند و به مرور از سایر دوستان و افراد دیگر کمک خواستند. بعد کانون نیز به میدان آمد.

پس از پایان جشنواره زیر گنبد کبود، به سبب حجم زیاد وظائف محوله و کار داوطلبانه همه دست اندرکاران، همگی واقعا خسته شده بودند. به ویژه اینکه در خلال کار مشکلاتی هم پیش آمد. بنابراین فکر نمی کردیم بخواهیم کار دیگری انجام دهیم

اما زمانی که خستگی ها فروکش کرد، فکر کردیم حیف است که دیگر دنبال کار را نگیریم. به ویژه که به سبب موفقیت جشنواره نامبرده، مرکز هاربر فرانت هم مایل بود که از سوی ایرانیان مجددا کاری در آنجا انجام شود. چرا که دیده بودند تعداد مراجعین به ۲۰ تا ۲۵ هزار نفر رسید، و گاهی جمعیت به حدی زیاد می شد که می خواستند درها را قفل کنند. بنابراین خود مرکز با بچه هایی که در آنجا کار کرده بودند تماس گرفت، و گفت بیا بیاید دوباره چنین کاری را راه بیندازید.

در اینجا بود که ما فکر کردیم اگر بخواهیم کاری ماندگار انجام دهیم، نمی شود که عده ای داوطلب بیایند و در یک گروه دانشگاهی کاری را انجام بدهند. چرا که حتی اگر برای بار دوم هم چنین کاری صورت بگیرد، در دفعه سوم قطعاً حرکت متوقف خواهد شد.

بنابراین تصمیم گرفتیم که یک سازمان حرفه ای ایجاد کنیم که حتی اگر بار دوم هم کارها داوطلبانه صورت گرفت، ولی اساس و پایه طوری گذاشته شود که در آینده این کار به صورت خودکار انجام پذیرد. یعنی یک شرکت ثبت شده غیرانتفاعی به وجود بیاید. البته این بار هم همه داوطلبانه کار می کنند.

اما امیدواریم در آینده وضعیت طوری شود که افرادی که مسئولیت به عهده دارند، حرفه ای باشند و حقوق هم دریافت کنند. در نتیجه نیازی به این نباشد تا همه دوستان ناچار شوند بعد از ساعات کاری تا دیروقت شب و روزهای تعطیل خود را، درگیر این مسئله باشند.

بنابراین سازمانی غیرانتفاعی، غیر سیاسی و غیرمذهبی به نام "کانون فرهنگ و هنر ایرانیان کانادا" را ثبت کردیم. این کانون جشنواره آینده را اجرا می کند. در عین حال از این به بعد با امکاناتی که ممکنست دولت و جامعه کانادا در اختیار ما بگذارد و اگر خیلی خوشبین باشیم، می توانیم فرهنگ ایران را پس از کانادا در (سایر نقاط) جهان (هم) معرفی کنیم.

البته برای تحقق این هدف ابتدا در کانادا و با برگزاری جشنواره، و کارهای فرهنگی، ادبی، و هنری آغاز می کنیم. حرف ما این است که در این کشور اینهمه شرکت غیر انتفاعی هست، خوب چه عیبی دارد ایرانی ها هم همین کار را بکنند؟ (با اشاره به امیرنیمما احمدی) اتفاقاً نیما می گفت کاریبانا سالانه ۳۵۰ میلیون بودجه دارد، که از طریق کسب و کارهای گوناگون و کمک های بنیادهای خیریه ای تأمین می شود که در کانادا هستند و به اینگونه کارهای فرهنگی کمک می کنند.

ما امیدواریم با یک جشنواره کوچک شروع کنیم، و روزی بتوانیم یک جشنواره بسیار بسیار بزرگتر داشته باشیم. امیدواریم با این پایه ای که گذاشتیم، این کار ادامه پیدا کند. از آن هفت نفر اولیه که نامشان ذکر شد، سه نفر از دوستان دیگر با ما کار نمی کنند.



امیدواریم در آینده همه ایرانی کمک بکنند، چراکه این کانون مال همه ماست. کما اینکه در حال حاضر هم بین ۲۳ تا ۳۰ نفر درگیر هستند، که مطمئنیم در ظرف ماه های آینده این تعداد به ۵۰ تا ۶۰ نفر خواهد رسید.

دکتر ماریا صباي مقدم از
آغازگران فعاليت برای

س: برنامه بعدی چیست؟

آرين نژاد: جشنواره آینده به مناسبت تیرگان جشنواره تیرگان

است. متأسفانه به جز نوروز جشن های مهم دیگر مانند تیرگان، مهرگان و سده به فراموشی سپرده شده اند. ما سعی در احیای آنها داریم. چراکه بخشی از هویت ما به همین مراسم و سنت ها برمی گردد. برای تیرگان روایت های گوناگونی گفته شده است. یکی اینست که زمانی که آرش کمانگیر تیرش را از چله کمان رها می کند تا مرز ایران و توران مشخص شود، آن تیر مسیری خیلی طولانی را طی می کند و مرزهای ایران گسترش می یابد. به همین سبب ایرانیان آن روز را جشن می گیرند.

ما این را بهانه کردیم و گفتیم تیری که آرش انداخته به حدی مرزهای ایران را بزرگ کرده که زبان ها، فرهنگ ها، و اقوام مختلفی در این سرزمین جای گرفتند و ما تنوع را بهانه این جشن کردیم. البته واقعیت هم اینست که ایران شامل تنوع اقوام، زبان ها و فرهنگ های گوناگون است که همه با هم یک تاریخ مشترک دارند.

س: برای نیل به این مقصود، ممکن است از موسیقی شهرهای گوناگون ایران استفاده کنید؟

امیرنیما احمدی: همینطور هم هست. نه تنها در موسیقی بلکه در همه زمینه ها طیفی از هنرهایی را به نمایش در می آوریم، که در نقاط مختلف ایران برگزار می شود. مثلاً می دانم از جنوب، آذربایجان، شمال و نقاط دیگر، قطعاً موسیقی هایی در برنامه هایمان وجود دارد.

س: عبارت یکی بود یکی نبود، چگونه برای عنوان جشنواره انتخاب شد؟

آرين نژاد: این عبارت در بطن فرهنگ ایران است، و به نظر خودم خیلی عمق دارد. از دید من معنی نهفته اش این است که این مهم نیست که آدم ها چه رنگ، نژاد، فرهنگ و مذهبی دارند، بلکه همه ما به عنوان بشریت زیر یک آسمان زندگی می

کنیم.

اگر برگردیم به زمان هخامنشیان، می بینیم واقعا هم همینطور بوده است. مثلا کورش مملکتی درست کرده بود که متشکل از ۳۲ کشور مختلف و بزرگ بود، و به همه ادیان و باورها، زبان ها و فرهنگ های مختلف احترام گذاشته می شد. کسی حق نداشت دیگری را به خاطر مذهب، رنگ پوست و یا هر چیز دیگری آزار دهد.

س: هزینه جشنواره پیش رو را چه اندازه ارزیابی می کنید؟

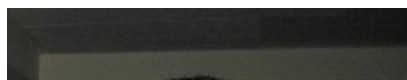
آرین نژاد: برآورد هزینه های جشنواره تیرگان ۵۰۰ هزار دلار می باشد. چرا که تنها برای بلیط هواپیمای هنرمندانی که می آیند، هزینه اقامت آنها و دستمزدهایشان پول پرداخت می کنیم و همه کسانی که کار می کنند داوطلب هستند. ولی اگر دست اندرکاران می خواستند حقوق بگیرند، مسلما هزینه ها دست کم به یک میلیون دلار بالغ می شد. (لذا) از دیگاه مالی، این جشنواره ای یک میلیون دلاری می باشد.

س: برای جشنواره آتی چه بخش هایی در نظر گرفته شده، و مهمانان چه کسانی هستند؟

آرین نژاد: سینما، تئاتر، رقص، موسیقی، هنرهای تجسمی، ادبیات و فعالیت های کودکان، هفت بخش جشنواره پیش رو هستند. در تمامی این بخش ها اشخاص بسیار سرشناسی را دعوت کرده ایم، و کیفیت کار فوق العاده بالاست. مثلاً تا اینجا آمدن آقایان کیارستمی و بیضایی، و خانم رخشان بنی اعتماد در بخش سینما قطعی شده است.

تصمیم داریم گروه های محلی را هم بیاوریم، به این شرط که حتماً سطح کارشان قابل قبول باشد. البته ممکن است این گروه های محلی، کارشان در سطح آقایان کیارستمی یا بیضایی بین المللی نباشد.

در موسیقی برادران کامکار از ایران و خانم دریا



داور از پاریس می آیند. آقایان هوشنگ ظریف و به گفته مهرداد آرین نژاد سلی هنرمند مقیم تورنتو نیز، از دعوت شدگان به برآورد هزینه های جشنواره بخش موسیقی می باشند. تیرگان، ۵۰۰ هزار دلار می باشد

در رقص قرارست آقایان شاهرخ مشکین قلم، سعید شنبه زاده، و جانبازیان و گروهشان را هم بیاوریم. با خانم فرزانه کابلی در حال مذاکره ایم، که ایشان و گروهشان نیز بیایند.

در تئاتر آقای بیضایی و سهیل پارسا هستند. آقای پارسا شخصیت تئاتری می باشند که در جامعه ایرانیان تورنتو، و در سطح کانادا و بین المللی شناخته شده هستند.

در هنرهای تجسمی افراد بسیار بسیار برجسته ای قرار است بیایند، و با همکاری می کنند. هم اینک استاد غلامحسین نامی در این بخش مشاور ما هستند. افرادی مانند خانم ها و آقایان آیدین آغداشلو، سیرک ملکونیان، عباس کیارستمی، احمد سخاورد، شیرین نشاط، فرشید مثقالی و پرویز تناولی قرارست دعوت بشوند. کارهای استاد نامی حتما خواهد بود، و گروه های محلی هم خواهیم داشت.

صفحه [1] 32

نسخه چاپی نظر شما به دوستان خود ایمیل کنید

نظر خوانندگان درباره این مقاله

شماره صد و بیست و نهم، جمعه
هجدهم آبان ماه ۱۳۸۶